

تحلیل عاملی موانع موجود در زمینه کارآفرینی زنان کشاورز از دیدگاه زنان نمونه کشاورز منطقه جیرفت و کهنوج

امید شریفی^۱
محسن عادل^۲

چکیده

کارآفرینی از محورهای اصلی و اساسی رشد و توسعه در هر کشوری است به طوری که آن را موتور توسعه اقتصادی در هر کشوری می دانند. تجربه کشورهای دارای رشد بالای درآمد ملی نشان دهنده آن است که مدیران این کشورها به نقش و اهمیت کار آفرینی در پیشرفت و توسعه کشور پی برده اند. از آنجائی که بخش عظیمی از جامعه روستایی و کشاورزی را زنان تشکیل می دهند، لذا کارآفرینی این قشر از جامعه از اهمیت بخصوصی برخوردار است. تحقیق حاضر به بررسی موانع موجود در زمینه کارآفرینی زنان در بخش کشاورزی از دیدگاه زنان کشاورز نمونه منطقه جیرفت و کهنوج می پردازد، ابزار تحقیق، پرسش نامه می باشد که برای حصول اطمینان از پایایی پرسش نامه مورد استفاده از آزمون الفای کرونباخ بهره گرفته شده است و مقدار پارامتر آلفا (a) ۰/۸۳ بوده که نشان دهنده مناسب بودن پرسش نامه مورد استفاده است و برای اطمینان از روایی یا اعتبار محتوایی پرسش نامه از روش نظر سنجی استادان و صاحب نظران امر استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل کشاورزان نمونه ای می باشد که طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵ از طرف سازمان جهاد کشاورزی منطقه جیرفت و کهنوج به عنوان کشاورز نمونه در مناطق (جیرفت، کهنوج، عنبرآباد، رودبار جنوب، منوجان، قلعه گنج) انتخاب شده اند، تعداد افراد حاضر ۷۴ نفر بوده که به دلیل محدود بودن تعداد، تمامی آنها مصاحبه شده و پرسشنامه ها تکمیل شد. در تحلیل داده ها و ارائه یافته ها از روش تحلیل عاملی از نوع اکتشافی برای دسته بندی و تبیین و تشریح موانع مورد بررسی و استخراج سازه های زیر بنایی بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی موانع موجود را به سه دسته (فرهنگی- اجتماعی)، (خدماتی- حمایتی) و (قانونی) تقسیم می کند، که در مجموع ۶۷/۵٪ کل واریانس عوامل را تبیین می کنند

Email:sharifi_o@yahoo.com

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه جیرفت

^۲. عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه جیرفت



مقدمه و بیان مسأله

در کشورهای در حال توسعه، بخش کشاورزی با ویژگی‌های خاص خود نقش مهمی در زمینه اشتغال، تولید ناخالص ملی، صادرات، امنیت و سلامت غذایی ایفا می‌کند. در این کشورها زنان در بخش کشاورزی همچون سایر بخش‌های اقتصادی جامعه پا به پای مردان برای تداوم کارکرد فرایندهای تولیدی، خدماتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تلاش کرده‌اند و سهم قابل توجهی از نیروی کار در بخش کشاورزی یا به عبارتی سرمایه انسانی را به خود اختصاص داده‌اند، به رغم این واقعیت و تأکیدی که در فرآیند توسعه پایدار عدالت گرا، مشارکت محور، انسان مدار و درون زا بر توانمندسازی تمامی آحاد بشر از جمله زنان کشاورز از طریق ظرفیت سازی و ارائه خدمات مناسب وجود دارد، در توسعه برنامه‌ها و ارائه خدمات گروه‌های زنان حداقل در مقایسه با مردان به نسبت تلاشی که می‌کنند کمتر از خدمات و برنامه‌های توسعه منتفع می‌شوند و این عاملی است که باعث اطلاق عنوان مخاطبان فراموش شده به آنها گردیده است (شریف زاده به نقل از فائو^۳، ۱۳۸۰: ۵۸). با توجه به اینکه زنان بزرگترین گروه محرومان در جهان می‌باشند، تلاش برنامه ریزان و کارشناسان زنان بخصوص زنان روستایی در گام نخست باید معطوف به جبران محدودیت‌ها و محرومیت‌ها و سوق دادن زنان کشاورز و روستایی به سوی تساوی اجتماعی و اقتصادی باشد و این امر جز با توانمندسازی آنان از طریق کارآفرینی میسر نمی‌شود (Hisrich et all، ۲۰۰۵: ۴۸). کارآفرینی در دنیای کنونی، در پی روابط تعادلی بین روح و فکرو جسم است و به عنوان کلید حل مسائل و موانع توسعه انسانی، موضوع بحث بسیاری از اندیشمندان توسعه اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. آنها معتقدند که کارآفرینی موتور توسعه انسانی و بالتبع توسعه اقتصادی کشورهاست، همچنین عقیده دارند اگر خواهان اقتصادی پیشرفته در قرن ۲۱ هستیم، کلید آن کار آفرینی است و لازمه آن توجه بیشتر محققان و سیاست گذاران به نیازهای نیمی از جمعیت جهان، یعنی زنان

^۳ - FAO

است (۳۹: ۲۰۰۵، Carter). اسمیت (۲۰۰۵) عقیده دارد که توسعه در بازار (جهانی شدن، صدور گواهینامه های مختلف و...) در کشاورزی (مباحث سازمان تجارت جهانی، اصلاحات سیاست های ژنتیکی، منابع طبیعی و...) لزوم سطوح بالاتر کارآفرینی را به خصوص در قسمت کشاورزی محسوس تر می نماید. (۱۲: ۲۰۰۵، Smith). زنان خواه ب صورت مدیر یا کارگر نقش بسیار مهمی در زمینه کارآفرینی در بخشهای کوچک را نیز دارا یند و از آنجائی که بیشتر کارهای کشاورزی را در بخش روستایی انجام می دهند، در واقع همانند کارآفرینان در تولید تجارت محصولات عمل می کنند، با موانع و مشکلات این کار در سطح مهارتی، تکنولوژیکی و منابع مالی که نمود بیشتری پیدا می کند رو به رو یند (۸۶: ۲۰۰۴، Unido). نتایج مطالعات متعدد نشان دهنده آن است که آموزش کارآفرینی برای غلبه بر بیکاری و افزایش مهارت های زنان برای کارآفرین شدن از برنامه های مهم دولت ها است (۲۹۱: ۲۰۰۳، Katz) نتایج مصاحبه با زنان اتحادیه اروپا در ۱۲ کشور عضو این اتحادیه نشان داد که در بسیاری از موارد، آنچه باعث تحریک افراد برای کار آفرین شدن می شود رویداد بیرونی به نام بیکاری است. و زنان برای اینکه بتوانند وقت بیشتری را برای خانه و خانواده هایشان بگذارند، شغل پاره وقت انتخاب می کنند، بنابراین، به دنبال کار تمام وقت یا شغل های سنگین نیستند از طرفی امکان یافتن چنین شغل یا فعالیتی با حقوق کافی برای زنان مشکل تر از مردان است. و در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی احتمال بیکار شدن زنان بیشتر از مردان است و مشکلات بیشتری برای یافتن شغل دارند (۷۸: ۱۹۹۹، OECD). به رغم تعریف دقیق از اشتغال زنان روستایی در کشاورزی، برآوردها نشان می دهند که در کشور ما سهم زنان به عنوان نیروی کار کشاورزی ۴۰ درصد است، این رقم بدون احتساب فعالیت های مربوط به خانه داری است. مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی بر اساس برخی آمارهای غیر رسمی ۷۵ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی جات، ۵۰ درصد در زراعت پنبه و دانه های روغنی و ۳۰ درصد در امور برداشت باغ ها است، علاوه بر آن ۷۵ درصد از تولیدات صنایع دستی کشور در اختیار زنان است (شعبانعلی فمی، اسدی و چوپچیان، ۱۳۸۶: ۴۶) با وجود این اغلب بانوان روستایی به عنوان کشاورز محسوب نشده اند و در فرایند تحلیل مشکلات، برنامه ریزی و تصمیم گیری در نظر گرفته نمی شوند، از این رو، برنامه های آموزشی، اعتباری و حمایتی شامل حال آنها نمی شود (چهارسوقی و میر دامادی، ۱۳۸۶: ۲۶۷) هدف کلی تحقیق حاضر بررسی و شناخت موانع تاثیر گذار بر کارآفرینی زنان نمونه کشاورز منطقه جیرفت و کهنوج است منطقه جیرفت و کهنوج با داشتن پتانسیل بالای کشاورزی به عنوان یکی از قطبهای کشاورزی در کشور مطرح می باشد به طوری که آن را هند کوچک ایران می شناسند. در این منطقه مثل سایر مناطق کشور زنان سهم بسزایی در بخش کشاورزی را دارا می باشند. اما به دلایل متعدد علی الخصوص زمینه های فرهنگی و سنت های حاکم بر منطقه کمتر از سایر مناطق مورد توجه برنامه ریزان و دست اندرکاران توسعه و ترویج روستایی در سطح شهرستان قرار گرفته اند. در جامعه مردسالاری مانند جیرفت و کهنوج به جرأت می توان گفت که زنان نه تنها وظایف مربوط به خانه و خانه داری را برعهده دارند بلکه بدون مشارکت آنها امکان تداوم فعالیت های کشاورزی در این منطقه غیر ممکن می باشد یا حداقل اینکه با بحران جدی مواجه می - باشد. مطالعه موانع کار آفرینی زنان کشاورز نمونه در این منطقه به عنوان پیشروان جامعه روستایی به شناسایی محدودیتهای موجود، اصلاح مسیر آتی و در نهایت به افزایش کارایی فردی و اجتماعی آنان کمک می کند. شناسایی، انتخاب، معرفی و بکارگیری زنان نمونه در بخش کشاورزی زمینه تحریک عمایق و ایجاد انگیزه میان عامه تولید کنندگان بعنوان یک حلقه مهم در سلسله مراتب زنجیره تبادل دانش بین کشاورزان و تولید کنندگان از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است. زنان نمونه کشاورز با توجه به ویژگی های مهارتی و فنی آنان، پیشرو بودن در پذیرش ایده های نو، ارتباط با مراکز ترویجی و تحقیقی، انگیزه بالا برای پیشرفت خلاقیت، ابتکار و نوآوری و از همه مهمتر مقبولیت و ارتباط گسترده با هم قطاران از نقش مهمی در پیشبرد اهداف توسعه و ترویج کشاورزی در میان سایر تولید کنندگان برخوردار می باشند. این افراد در زمینه های مختلف کشاورزی می توانند یار و یاور عاملین ترویج بوده و یکی از عوامل موثر در پیشبرد فعالیت های آموزشی - ترویجی اند. بدیهی است تا زمانی که زمینه گسترش توانایی های زنان روستایی به وجود نیامده و آنان به درجه ای از توانمند سازی در جهت تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع در راستای کسب خود اتکایی قابل قبول و مشارکت در تصمیم گیریها نائل نشوند این بازیگران پنهان به جایگاهی که منزلت انسانی در خور آنهاست دست نخواهند یافت. به منظور دستیابی به هدف فوق سئوالات زیر مورد توجه قرار گرفت

- مهم ترین عوامل بازدارنده فرهنگی از دیدگاه زنان نمونه کشاورز چه مواردی است؟

- مهم ترین عوامل بازدارنده اجتماعی از دیدگاه زنان نمونه کشاورز چه مواردی است؟
- مهم ترین عوامل بازدارنده مالی از دیدگاه زنان نمونه کشاورز چه مواردی است؟
- مهم ترین عوامل بازدارنده که در قوانین و مقررات دولتی وجود دارند چه مواردی است؟

چارچوب نظری

برای توسعه جوامع روستایی توجه به بخش کشاورزی بسیار مهم است، زیرا کشاورزی یکی از بخش های اقتصادی کشور است که تامین کننده سهم مهمی از تولید ناخالص داخلی، اشتغال، نیازهای غذایی، صادرات غیر نفتی و نیاز صنایع است. توسعه بخش کشاورزی، پیش شرط ضروری توسعه اقتصادی کشور است و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش بر طرف نشود، سایر بخش ها نیز به شکوفایی و توسعه دست نخواهد یافت (هاشمی داران، ۱۳۸۴: ۴۹۲) در این زمینه توسعه و تربیت نیروی انسانی ماهر عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی است. در بخش کشاورزی فرد کار آفرین با بهره برداری بهینه از منابع و امکانات موجود و سرمایه گذاری در پاره ای از فعالیت های مخاطره آمیز اقتصادی، ضمن ایجاد اشتغال برای چند فرد دیگر، با تولید خدمات و محصولات که از لحاظ کیفیت، قیمت و زمان ارائه و میزان دسترسی قابل رقابت با دیگر خدمات و محصولات مشابه خود است، گامی بلند در راستای توسعه کشاورزی بر می دارد (حسینی و سلیمان پور، ۱۳۸۵: ۲۵۲) در ایران بر اساس داده های سر شماری سال ۱۳۸۵ از کل جمعیت ۱۰،۸۹۴،۲۴۶ نفری زنان روستایی در ایران، حدود ۹،۰۴۶،۸۹۴ زن روستایی ۱۰ سال به بالا در بخش کشاورزی و منابع طبیعی و سایر فعالیت ها مانند صنایع دستی فعالیت دارند (احمدی شاپورآبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۷) به رغم این شواهد، زنان برای برخورداری از حقوق انسانی باید در برنامه های توسعه به ویژه توسعه روستایی مشارکت داشته باشند تا از نتایج آن نیز بهره مند شوند، اما واقعیت بازنمای این است که زنان با وجود مشارکت در بسیاری از فعالیت ها در سطح روستا از جایگاه و رتبه خاص اجتماعی برخوردار نیستند (ویسی و بادسار، ۱۳۸۴: ۲۴) لهسایی زاده بیان می کند که هر چند زنان نقش مهمی در فعالیت های کشاورزی دارند اما به علت نا مرئی بودن، در فعالیت ها و آمار توسعه منظور نمی شوند. ایشان راهکار مناسب را ایجاد تشکل های اقتصادی می داند (لهسایی زاده، ۱۳۷۶: ۴) طبق گفته خانم دکتر فیروزه صابر رئیس هیات مدیره انجمن زنان مدیر کارآفرین و بر اساس آمار ۱۳۸۵ نرخ اشتغال زنان در بخش خدمات بیش تر از سایر بخش های اقتصادی است. زنان در بخش خدمات ۶۱ درصد، در بخش صنعت ۲۵ درصد و در بخش کشاورزی ۱۴ درصد اشتغال را صاحب هستند و نرخ بیکاری در کل ۱۳ درصد است و در جامعه زنان ۲۳ درصد می باشد. در کل ۵/۷ درصد مردان و زنان کارفرما (صاحب کسب و کار) هستند، مردان ۶/۳ درصد در جامعه مردان و زنان ۱/۵ درصد جامعه زنان شاغل را تشکیل می دهند. بیش ترین آمار جامعه زنان را نیز زنان شاغل و کارکنان فامیلی بدون مزد تشکیل می دهند که ۳۲/۶ درصد است به گفته ایشان متوسط نرخ کارآفرینی در دنیا ۷/۷۲ درصد جمعیت زنان است نکته ای دیگری که صابر در این آمار بر آن تاکید دارد این است که در شرکت هایی که مالکیت آن با زنان است ۵۲ درصد کارکنان را زنان و ۴۸ درصد را مردان تشکیل می دهند اما در شرکت های مردان ۳۸ درصد زن و ۶۲ درصد کارمند مرد حضور دارند. (صابر، ۱۳۸۸)

به رغم آنکه تعداد زنان کارآفرین در جهان در حال افزایش است اما سهم زنان در کارآفرینی هنگامی که با نرخ مشارکت آنها مقایسه می شود پایین است، و با آنکه بیش از ۴۰ درصد از استخدام شدگان را زنان تشکیل می دهند نسبت زنان کار آفرین حدود ۳۰ درصد تعداد کارآفرینان در غرب می باشد (Zimny، ۲۰۰۳: ۱۰۱). در سالهای اخیر در جهان شاهد رشد چشمگیری در تعداد بنگاه های اقتصادی ایجاد شده توسط زنان هستیم، کسب و کارهای زنان در ایالات متحده بین سال های ۹۷ - ۸۷ از نظر تعداد ۲ برابر، از حیث اشتغال زایی ۴ برابر و از نظر فروش ۵ برابر شده است. همچنین این بنگاه های اقتصادی در سال ۲۰۰۲ برای حدود ۱۰ میلیون نفر شغل ایجاد کرده اند و این زنان سالانه حدود ۲/۵ تریلیون دلار به درآمد اقتصادی دولت آمریکا کمک کرده اند که این رقم از تولید ناخالص داخلی^۴ بسیاری از کشورها بالاتر است. در سایر کشورها نیز شاهد رشد در تعداد زنان کار آفرین هستیم. در پرتغال تعداد زنان کارآفرین در سال ۱۹۹۵، ۵۳ درصد رشد داشته است (آراستی، ۱۳۸۵) با وجود این رشد، زنان در زمینه کار آفرینی با مشکلات متعددی در کشورهای مختلف روبه رو یند، در کشور جامائیکا کار

^۴ - GDP

آفرینان زن، برای گرفتن وام و برخورداری از تسهیلات بانکی با مشکلات عمده ای مواجه هستند که دلیل اصلی آن به رفتار تبعیض آمیز بخش وام دهنده و این نگرش که از یک سو سطح تحصیلات زنان پایین بوده و توانایی لازم برای معرفی ضامن را ندارند و از سویی دیگر بسیاری از افراد توانایی زنان را برای انجام امور بروکراسی محدود می دانند، بر می گردد. در پاکستان موقعیت اجتماعی برای زنان کار آفرین و به ویژه آن دسته از زنان که قصد ایجاد یک کسب و کار را دارند بسیار دشوار است آنها هم با موانع قانونی و هم با اقدامات تبعیض آمیز اجتماعی روبرو هستند. در کشور کرواسی نتایج بررسی در مورد موانع توسعه کارآفرینی زنان با نگاهی به شناسایی محدودیت ها و اقدامات لازم برای رفع آنها، ضرورت ترویج و توسعه کسب و کارهای کوچک را نشان می دهد و بر گسترش کار آفرینی زنان مطابق با سیاست ملی ترویج تساوی جنسیتی تأکید دارد. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۴) سازمان بین المللی کار (۱۹۹۸) موانع کارآفرینی زنان را به این صورت دسته بندی کرده است (الف) موانع رفتاری: زنان اعتماد به نفس کمتر و تصور منفی از خود دارند. (ب) موانع ایفای نقش: تعارض بین وظایف مختلف با محدودیت های زمانی (ج) موانع اجتماعی و فرهنگی: دید منفی نسبت به زنان در کار (د) موانع تحصیلی: زنان به طور نسبی سطوح تحصیلات پایین تری را نسبت به مردان برخوردارند و اغلب دسترسی محدود به فرصت های آموزشی شغلی دارند (ه) موانع شغلی: زنان فرصت کمتری در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت های خود دارند (و) موانع زیر بنایی: دسترسی به اعتبار، فناوری، خدمات حمایتی، زمین و اطلاعات به طور اصولی برای زنان مشکل تر است (ز) موانع قانونی: فعالیت قانونی مستقل برای زنان محدود است. صابر در سال (۱۳۸۱) نقش زن روستایی کارآفرین را در ایران به منظور بررسی محدودیت ها و ابتکارات و تدابیر آنها مورد مطالعه قرار داد. وی محدودیت ها و موانع ذکر شده از سوی کارآفرینان مورد مطالعه را در سه بخش کلی تقسیم کرد (الف) موانع فردی: موانعی که برخاسته از محدودیت شخصی و خانوادگی زنان کارآفرین است (ب) موانع سازمانی: موانعی که مربوط به درون شرکت یا موسسه کسب و کار آنان است این موانع شامل موانع مالی، فیزیکی، بازاریابی، فروش و منابع انسانی است. (ج) موانع محیطی: موانعی که عمدتاً "موانع فرهنگی، اجتماعی و تا حدی قانونی است. در بررسی دیگری که ۱۲۹ کارآفرین زن در امریکا مورد سوال قرار گرفتند مشخص شد که ۳۴ درصد از آنان در جلب سرمایه گذاری و مدیریت مالی دچار مشکل بوده اند، همچنین آنان اظهار کرده اند که عامل جنسیتی باعث عدم ورود آنان به محافل اجتماعی بوده است (Batter and Moore, ۱۹۹۷: ۱۸۷) نتایج تحقیقات میر غفوری و همکاران در زمینه شناسایی موانع موثر بر کار آفرینی زنان کار آفرین استان یزد نشان داد که شش دسته از موانع خانوادگی، علمی- تحصیلی، شخصیتی، مالی، فرهنگی- اجتماعی و قانونی بر کارآفرینی زنان موثر بوده و مانع از مشارکت زنان در عرصه فعالیت های کارآفرینی می شوند. همچنین نتایج تحقیقات ایشان نشان می دهد که موانع فرهنگی و مالی مهمترین موانع در کارآفرینی زنان اند (میر غفوری، صیادی و فهیمی، ۱۳۸۶: ۶۰). کریمی در تحقیق صورت گرفته در بین زنان کارآفرین در تعاونی های استان مازندران مشکلات مالی، اختلاف میان اعضاء و تبعیض علیه زنان را به عنوان مهمترین موانع کارآفرینی زنان در تعاونی ها مطرح کرده است (کریمی، ۱۳۸۴) چیتسیک (۲۰۰۰) پیرامون موانع پیش روی زنان کارآفرین در زیمبابوه دریافت که زنان در آغاز کارشان نسبت به مردان در دستیابی به منابع لازم با محدودیت بیشتری مواجه اند و هیچ حمایتی از سیستم حقوقی دریافت نمی دارند (۲۲: ۲۰۰۰، chitsike)

روش پژوهش:

تکنیک استفاده شده در پژوهش حاضر روش تحقیق پیمایش (Survey research) می باشد و ابزار آن پرسش نامه بوده است برای حصول اطمینان از پایایی پرسش نامه مورد استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شده است، که پارامتر آلفا (a) موانع کار آفرینی، برای ۱۵ نفر کشاورز زن نمونه ۰/۸۳ بود که نشان دهنده مناسب بودن پرسش نامه مورد استفاده است و برای اطمینان از روایی یا اعتبار محتوایی پرسش نامه از روش نظر سنجی استادان و صاحب نظران امر استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق شامل کشاورزان نمونه ای است که طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵ از طرف سازمان جهاد کشاورزی منطقه جیرفت و کهنوج به عنوان نمونه در مناطق (جیرفت، کهنوج، عنبرآباد، رودبار جنوب، منوجان، قلعه گنج) انتخاب شده اند، تعداد افراد حاضر ۷۴ نفر بوده اند که بدلیل محدود بودن تعداد، تمامی آنها مصاحبه شده و پرسش نامه ها تکمیل شد. پس از تکمیل پرسش نامه ها، در تحلیل داده ها و ارائه یافته ها از روش تحلیل عاملی از نوع اکتشافی برای دسته بندی و تبیین و تشریح موانع مورد بررسی و استخراج سازه های زیر بنایی بهره گرفته شد.

یافته ها :

پس از بررسی و مرور کتابخانه ای و اینترنتی اسناد و منابع مربوطه و نیز مصاحبه و گفت و گو با تعدادی از زنان کشاورز نمونه و صاحب نظران متغیرها شناسایی شدند و در پرسش نامه ای با عنوان موانع موجود در زمینه کار آفرینی زنان کشاورز فهرست و از پاسخگویان خواسته شده است تا اهمیت آنها را ارزیابی کنند و امتیازی بین صفر تا ده به آنها اختصاص دهند. پس از گردآوری و ورود داده ها به رایانه از نرم افزار SPSS^۵ برای تحلیل داده های جمع آوری شده بهره گرفته و تلاش شد تا نتایج تحلیل عاملی در دو قسمت جداگانه ارائه شود. بر اساس یافته های حاصل از تحلیل موانع موجود در کارآفرینی زنان کشاورز ، مقدار KMO^۶ برابر با ۰/۶۸ بدست آمد و چون بالاتر از ۰/۶۰ است نشان دهنده آن است که وضعیت داده ها برای تحلیل عاملی در حد خوب می باشد. مقدار بار تلت نیز برابر با ۱۹۳۶/۸۱۲ دست آمد که در سطح معنی داری بیش از ۰/۹۹ قرار دارد. اندازه KMO و نتایج آزمون بار تلت برای ماتریس هم بستگی داده ها در جدول (۱) نمایش داده شده است که حاکی از مناسب بودن متغیرهای وارد شده برای تحلیل است.

جدول (۱)- مقدار KMO و آزمون بار تلت و سطح معنی داری

| KMO | بار تلت | سطح معنی داری |
|------|----------|---------------|
| ۰/۶۸ | ۱۹۳۶/۸۱۲ | ۰/۰۰۰ |

برای تعیین تعداد عوامل بر اساس ملاک کیسر عمل شد. بر اساس این ملاک تنها عواملی مورد پذیرش قرار می گیرند که مقدار ویژه آنها بزرگ تر از یک باشد، بر این اساس تعداد ۳ عامل که مقدار ویژه آنها بزرگ تر از عدد یک بود، استخراج شد: عامل اول با نام (فرهنگی-اجتماعی) با مقدار ویژه ۵/۲۳ به تنهایی ۲۷/۴۸٪ واریانس کل عوامل است، عامل دوم با عنوان (خدماتی- حمایتی) با مقدار ویژه ۴/۴۲، تبیین کننده ۲۲/۴۸٪، عامل سوم با عنوان «قانونی» با مقدار ویژه ۳/۱۲ تبیین کننده ۱۷/۶۴٪ واریانس کل اند به طور کلی سه عامل یاد شده در مجموع ۶۷/۵٪ کل واریانس را تبیین می کنند (جدول ۲)

جدول (۲) تعداد عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و فراوانی تجمعی درصد واریانس آنها

| ردیف | مقدار ویژه | درصد واریانس مقدار ویژه | فراوانی تجمعی درصد واریانس |
|------|------------|-------------------------|----------------------------|
| ۱ | ۵/۲۳ | ۲۷/۳۸ | ۲۷/۳۸ |
| ۲ | ۴/۴۲ | ۲۲/۴۸ | ۴۹/۸۶ |
| ۳ | ۳/۱۲ | ۱۷/۶۴ | ۶۷/۵ |

وضعیت قرار گیری متغیرها در عوامل با فرض واقع شدن متغیرهای با بار عاملی بزرگ تر از ۰/۵ درصد بعد از چرخش عامل ها به روش وریماکس و نام گذاری عامل ها به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل، میزان ضرایب بدست آمده از ماتریس دوران یافته

| نام عامل | متغیرها | میزان ضریب |
|----------|---|------------|
| فرهنگی- | نگرش مرد خانوار به زنان کشاورز | ۰/۸۶۲ |
| | نگرش مسئولان به زنان کشاورز | ۰/۸۳۱ |
| | میزان بهره مندی زنان کشاورز از امکانات آموزشی | ۰/۸۴۶ |
| | تاثیر جنسیت در میزان انگیزه | ۰/۸۲ |
| | میزان همکاری همسر در امور مختلف | ۰/۷۹۶ |
| | میزان اعتماد به نفس در زنان کشاورز | ۰/۸۳۲ |
| | مستقل بودن زنان کشاورز در تصمیم گیری ها | ۰/۷۴۴ |

^۵ - Statistical Package for Social Science

^۶ - Kaiser-Meyer-Olkin

| | | |
|-------|---|------------------|
| ۰/۸۱۲ | مشارکت در امور متعدد علاوه بر کشاورزی | اجتماعی |
| ۰/۸۸۲ | تبعیض بین دختر و پسر در زمینه تحصیل در خانوار | |
| ۰/۸۵۶ | تبعیض بین دختر و پسر در زمینه تحصیل در جامعه | |
| ۰/۷۶۱ | مشارکت در فعالیت های کشاورزی | |
| ۰/۸۲۲ | مشارکت در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های مربوط به روستا | خدماتی حمایتی |
| ۰/۸۹۴ | دسترسی به تکنولوژی و نهاده های کشاورزی (زمین، آب و...) | |
| ۰/۸۶۴ | حمایت کلیه سازمانها اعم از دولتی و غیر دولتی | |
| ۰/۷۷۴ | دسترسی به فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) | |
| ۰/۸۱۸ | تعدد کادر آموزشی زنان در مناطق روستایی | |
| ۰/۸۶۶ | حمایت های اجتماعی از زنان وابسته به مردان یا زنان متاهل | |
| ۰/۸۷۲ | استفاده از مروجان زن | |
| ۰/۷۳۲ | برنامه ترویجی مخصوص زنان کشاورز | |
| ۰/۷۸۶ | بازاریابی محصولات کشاورزی وسیله زنان کشاورز | |
| ۰/۸۲۲ | دسترسی به اعتبارات و تسهیلات اعطایی از سوی بانک ها و سایر موسسات مالی | |
| ۰/۸۴۴ | قوانین اداری دست و پا گیر | |
| ۰/۸۱۸ | کنترل بر درآمد خویش | |
| ۰/۹۱۸ | کنترل بر سرمایه خویش | |
| ۰/۸۸۴ | قوانین استخدامی دست و پاگیر | |
| ۰/۸۵۸ | مشارکت در ساختار مدیریت | |
| ۰/۷۱۲ | تاسیس تعاونی به مدیریت زنان | |
| ۰/۸۷۴ | وضعیت زنان در آمار و ارقام و حساب های ملی | |

بحث و نتیجه گیری :

بر اساس پیش بینی سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۲۵ میلادی، ۷۲ درصد از جمعیت بالای ۶۰ سال در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند که نیمی از این جمعیت را زنان تشکیل می دهند و بخش عمده ای از آنان در بخش کشاورزی فعالیت دارند (UN, ۲۰۰۶). در هند ۸۶/۱٪ از زنان در بخش کشاورزی شاغل اند و این رقم برای مردان ۷۴٪ است در صورتی که به سختی برنامه ای خاص برای افزایش مهارت های کشاورزی زنان وجود دارد و این در حالی است که ۷/۱٪ از زنان روستایی در هزینه تولید مشارکت دارند و این درصد برای مردان کمتر از ۷٪ است و بیشتر برنامه های آموزشی به ندرت زنان را در بر گرفته است (Anonymous, ۲۰۰۳). با توجه به آمار و سر شماری رسمی در کشور ایران در حدود ۸ میلیون زن روستایی ۱۰ سال به بالا در بخش کشاورزی فعالیت دارند (روزی طلب، ۱۳۷۶: ۱۳). بر طبق آمار انتشار یافته از طرف وزارت کار درصد اشتغال در بخش کشاورزی طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۲ در گروه مردان ۱۹/۵۸٪ کاهش و برای زنان ۴۶/۶۶٪ افزایش داشته است، با وجود این واقعیت که زنان نقش کلیدی و حساسی در تولید محصولات کشاورزی بر عهده داشته اند و تلاش گسترده ای از سوی طراحان توسعه در مورد آنان انجام گرفته است، ولی از برنامه های آموزشی، روش های مدرن تولید غذا، تکنیک های کار، مدیریت مزارع کوچک و دامداری ها، سرویس های بازاریابی و صنایع کوچک محروم اند و هر از گاهی اعتباراتی برای بهبود تکنیک های کشاورزی در اختیار آنان قرار گرفته است و عضویت در تعاونی ها برای دریافت وام های کشاورزی محدود بوده است. در پیمایشی در جامائیکا مشخص شد که زنان ۵ تا ۶ ساعت در مزرعه و ۳ تا ۴ ساعت در خانه و ۲ تا ۵ ساعت را صرف مراقبت از بچه ها می کنند همچنین مشخص گردیده که بازار نا کافی ۱۰۰٪، عدم دسترسی به داده ها ۸۳٪، ناکافی بودن زمین ۹۰٪ و فقدان ترویج کشاورزی ۸۲٪ از مهم ترین تنگناهایی است که بر فعالیت های کشاورزی زنان متمرکز شده است (Anonymous, ۲۰۰۳). در حال حاضر در حالی که حدود ۶۳/۴ درصد زنان شاغل کشور دارای تحصیلات تخصصی اند

فقط ۹/۴ درصد زنان شاغل روستایی از این تحصیلات برخوردارند و اگر بخواهد همین ساختار سرمایه انسانی زنان روستایی تا سال ۱۴۰۰ استقرار یابد در این سال در روستاها فقط حدود صد هزار زن با تحصیلات تخصصی وجود خواهد داشت، در بررسی فوق الذکر این گونه نتیجه گیری می شود که زنان روستایی در این سطح از سرمایه انسانی هیچ شانس برای ارتقای منزلت اقتصادی ندارند و وضعیت اقتصادی آنها احتمالاً " در سال ۱۴۰۰ از هم اکنون نیز وخیم تر خواهد بود. زنان که می بایست از گروه مخاطبان اصلی برنامه های آموزشی- ترویجی باشند مورد توجه قرار نگرفته اند و در واقع فراموش شده اند. یکی از دلایل این امر، نداشتن شناخت برنامه ریزان و مجریان برنامه های آموزشی- ترویجی از جایگاه واقعی زنان روستایی در روند توسعه است. به گونه ای که اکثر افراد جامعه زنان روستایی را به عنوان اعضای که فقط وظیفه خانه داری و پرورش کودکان را بر عهده دارند می پذیرند و کمتر به نقش آنها در تولید توجه می کنند. آمارها نشان می دهد که تعداد دانش آموزان پسر از تعداد دانش آموزان دختر بیشتر است، لذا بیشتر دختران روستایی به علت عدم دسترسی به امکانات آموزشی محکوم به ترک تحصیل اند. تحقیقات کشاورزی اغلب به سوی تکنولوژی هایی که به وسیله مردان کشاورز مورد استفاده قرار می گیرد هدایت شده است و محصولات کشاورزی که توسط زنان تولید می گردد در تحقیقات کشاورزی اولویت ندارند. معمولاً در مناطق روستایی مسئله جنسیت به صورت بالقوه عامل بازدارنده قویی برای کار آفرینان زن نسبت به مناطق شهری است. مسئله دیگر عدم خود باوری زنان کشاورز روستایی است بدون خود باوری، شرایط کار آفرینی شناخته و درک نخواهد شد و نهایتاً از بین خواهد رفت. با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش می توان پیشنهاد های ذیل را در ارتباط با کار آفرینی زنان کشاورز ارائه کرد:

- آموزش بدون تبعیض جنسیتی به منظور بدست آوردن فنون جدید برای بهبود تولیدات کشاورزی و بالا بردن زمینه های کار آفرینی.
- ارائه و ایجاد برنامه اعتباری پایدار برای زنان به ویژه زنان روستایی و کشاورز.
- طرح و اصلاح قوانین، به منظور اطمینان از اینکه زنان روستایی از حقوق مساوی برای مالکیت زمین و سایر امکانات از جمله: اعتبار، فناوری مناسب، دسترسی به بازار برخوردار باشند.
- تغییر اقدامات بازدارنده، جهت گیری قانونی و سیاست های دولتی بایستی بر تحقق نیازهای راستین و اندیشه های زنان کشاورز کار آفرین مبتنی شود.
- سرمایه گذاری در آموزش علم و فناوری به زنان و برنامه ریزی برای توانمند سازی آنان به منظور توانا کردن آنها برای به دست آوردن صلاحیت علمی و عملی.
- ایجاد قدرت رهبری میان زنان به وسیله شبکه آموزش.
- ارائه آموزش های لازم در خصوص صنایع مختلف مثل صنایع دستی، صنایع کشاورزی و صنایع قالبیافی توأم با فعالیت های ویژه عملی از سوی کارگزاران که می تواند در زمینه عملی شدن ظرفیت های بالقوه زنان موثر باشد.
- معرفی زنان نمونه به منظور ایجاد انگیزه و رقابت سالم میان شاغلان بخش کشاورزی و به وجود آوردن نگرش مثبت نسبت به حضور زنان در عرصه فعالیت های اقتصادی.
- دسترسی زنان به سرویس های ترویجی و استخدام آنان به عنوان کارکنان حرفه ای، نیمه حرفه ای و ماموران میدانی برای ارائه خدمات ترویجی در جایی که مناسب اند.

منابع :

آراستی، زهرا (۱۳۸۵)، توسعه کار آفرینی زنان و دختران دانشگاهی، در.....

<http://dbase.irandoc.ac.ir/۰۰۷۷۵/۰۰۷۷۵۴۰۹.htm>

احمدی شاپورآبادی، محمد علی، احمد تقدیسی، امیر مظفر امینی (۱۳۸۸) بررسی نقش زنان روستایی در بهره وری و اصلاح الگوی مصرف در جوامع روستایی، نشریه علمی- ترویجی راهبرد یاس، شماره بیست، صص ۷۰-۹۶
روزی طلب (۱۳۷۶) تازه ترین آمار از میزان مشارکت زنان در اقتصاد روستایی، روزنامه ایران، سال سوم شماره ۷۹۵

ص ۱۳

حسینی، سید محمود، محمد رضا سلیمان پور (۱۳۸۵) بررسی اثرات تقویت روحیه کارآفرینی در روند توسعه کشاورزی، ماهنامه علمی-ترویجی جهاد، سال ۲۶، شماره ۲۷۳، صص ۲۵۰-۲۶۵

چار سوقی امین، حامد و سید مهدی میر دامادی (۱۳۸۶) بررسی رابطه بین ویژگی های شخصی و اجتماعی، اقتصادی بانوان برنج کار شهرستان بندر انزلی با معیارهای کشاورزی پایدار، فصلنامه یافته های نوین کشاورزی، سال اول، شماره ۳ صفحه ۲۵۱-۲۶۵

شریف زاده، ابوالقاسم (۱۳۸۰). جایگاه زنان در آموزش و ترویج کشاورزی، ماهنامه کشت، دام، صنعت. سال دوم تیر ماه ۱۳۸۰ شماره ۲۹، ۲۸، صفحه ۶۰-۵۸.

شعبانعلی فمی، حسین، علی اسدی، شهلا چوبچیان (۱۳۸۶) آشنایی با شیوه های خود اشتغالی، تهران، دانشگاه پیام نور، ص ۴۶ صابر، فیروزه (۱۳۸۱) راه های توسعه کارآفرینی زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

صابر، فیروزه (۱۳۸۸) زنان در بخش خدمات بیشترین سهم را دارند در.....

http://www.ea.wenet.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=۲۸۳&Itemid=۴۴

لهسایی زاده، عبد العلی (۱۳۷۶) بررسی پایگاه طبقات زنان روستایی در ایران، تهران، معاونت برنامه ریزی و پشتیبانی، موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، انتشارات اقتصاد کشاورزی و توسعه

هاشمی نژاد، اشرف السادات (۱۳۸۴) گسترش کارآفرینی زنان، فصلنامه تخصصی اشتغال و کارآفرینی (رویش) سال سوم شماره ۱۲ زمستان ۸۴

هاشمی داران، حسن (۱۳۸۴) اشتغال و کارآفرینی در بخش کشاورزی ایران، همایش ملی کارآفرینی، تهران، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، صص ۴۹۱-۵۵۲

کریمی، زهرا (۱۳۸۴) نقش حمایت های دولت در گسترش کارآفرینی در میان زنان: مطالعه موردی: تعاونی های زنان استان مازندران، اولین همایش کارآفرینی زنان و چالشهای پیش رو، انجمن زنان مدیر کارآفرین.

ویسی، هادی و محمد بادسار (۱۳۸۴) بررسی عوامل موثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت های روستایی، مطالعه موردی استان کردستان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۸ شماره ۴، صص ۱۹-۴۲

میرغفوری، سید حبیب الله، حسین صیادی تورانلو، سعیده فهیمی هنزایی (۱۳۸۶) شناسایی ورتبه بندی موانع موثر بر فعالیت های کارآفرینی زنان با استفاده از تکنیک های MCDM: زنان کارآفرین استان یزد، مجله مطالعات زنان، سال اول، شماره دوم، صص ۳۳-۶۱

Anony mous (۲۰۰۲). Empowerment of women . Available on:

www.care.org/newsroom/.../woman_and_empowerment.pdf

Anonymous, (۲۰۰۳). Gender and development.. [On line]. Available on the:

www.lib.upm.edu.my/iisgend.html - ۱۳ک

Anony mous (۲۰۰۳) Innovations for Empower mint rural women. [On line] Available on:

www.accu.or.ip/litbase/break/pdf/hdf۹۱۵g.PDF/

Butter ,E.H, Moore, D.P (۱۹۹۷) Women's organizational Exodus to Entrepreneurship :Self-Reported Motivations and correlates with success , Journal of small Business Management , Vol. ۳۲, pp. ۱۸۶-۱۹۲

Chitsike. C(۲۰۰۰) Culture as a barrier to rural women's entrepreneurship :experience from Zimbabwe . Gender and Development ۸(۱) :pp: ۷۱-۷۷

Carter, Sara (2005). Constraints on women enterprise, 27th conference enterprise and small business, University of Strathclyde in Glasgow, June 2005, pp. 36-47

(2005) Hisrich, Robert and Peters Michael and Dean Shepherd
. Entrepreneurship. New York: McGraw-Hill Irwin

Katz, J.A. (2003), "The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education 1876-1999", Journal of Business Venturing, Vol. 18 No. 2, pp. 283-300

OECD (1999) Women entrepreneurship. Exchanging experiences between OECD and transition economy countries. Pg 78

Otake, M. (1999) Gender equality through the empowerment of society.
www.sdn.unep.org/women-economy/msg_2699.html-7k

Smith, A.B. (2005) Changing external conditions require high levels of Entrepreneurship in a agriculture agricultural economic research institute, Netherlands.

Zimny, Ewa Ruminska (2003). Women entrepreneurship in transition countries, the 4th world conference international council for small Business. Belfast, Northern, Ireland pp. 96-108

UNIDO (2004) Women industry and entrepreneurship United Nations industrial developing organization.

UN, (2006). World population ageing 1950-2050. IV. Demographic profile of the older population. www.un.org/esa/population/publications/pdf/9/chapter/IV/.pdf

پښتونخواه علمي او تعليمي ادارو
پښتونخواه علمي او تعليمي ادارو